

يك بررسى کوتاه و فشرده از

وسيعترين آئين جهان

❁ ۱ - شعاع اسلام در چه عصرى درخشان گرفت؟

❁ ۲ - دور نمائى از زندگى پيامبر بزرگ اسلام

❁ ۳ آنچه يك مسلمان بايد بان ايمان داشته باشد

❁ ۴ - اسلام و مسائل اجتماعى و اصول انساني

❁ ۵ - طرز حكومت و قوانين مدنى در اسلام

❁ ۶ - مراسم پر شكوه مذهبي مسلمانان

یک بررسی کوتاه و فشرده

از

وسیعترین آئین جهان

در این مقاله کوشش شده است که بررسی کوتاه و در عین حال آموزنده‌ای از آئین بزرگ اسلام با تکیه متون و مدارک اصیل اسلامی بعمل آید .

مطالعه این مقاله هم برای مسلمانانی که میخواهند در یک بررسی اجمالی بروح تعلیمات وسیع وارزنده اسلام آشنا شوند و هم برای بیگانگان که فرصت مطالعه کتابهای مشروح اسلامی را ندارند مفید خواهد بود .

شعاع اسلام در چه عصری درخشیدن گرفت ؟

جهان بر اثر دور افتادگی از تعالیم حیات بخشی که پیامبران الهی آورده بودند در تاریکی عمیق و وحشتناکی فرو رفته بود، سایه‌های شوم جهل و نادانی بر افکار مردم آن زمان سنگینی میکرد، همه جا فساد و گمراهی بود، بر اثر تحریف ادیان آسمانی بدست بشر ، آثار هدایت و سعادت از جامه‌ها رخت بر بسته ، حیرت و سرگردانی و نفاق و پراکندگی ، خرافات و آداب و رسوم مضروب غلط بر همه جا حکومت میکرد. عربستان که نخستین شعاع اسلام از آنجا درخشید غرق در گمراهی و فساد و انحطاط عجیبی بود، از همه جا بوی خون میآمد (۱)
در آنجا قانونی وجود نداشت و تنها قانون زندگی مردم آنجا «عادات و رسوم» بود که از گذشتگان خود بارت برده بودند ، و آن نیز چیزی جز مجموعه‌ای از «خرافات و اوهام و هوسها» نبود (۲)

در قلب این شبه جزیره یعنی «حجاز» رئیس هر قبیله برای خود سلطان حکمرانی محسوب میشد، و بعلت رقابت‌های کودکانه و گاهی احمقانه که در میان قبائل بود همواره آتش جنگ‌های خونین در میان آنها روشن بود (۳) جنگ‌های آنها بیشتر صورت «غار تگری» یا انتقام‌های وحشیانه داشت که گاهی کینه‌های آنرا از نیاکان خود بارت برده بودند. غالب

۱ - ... و پیش از این در گمراهی آشکاری بودند (سوره جمعه - آیه ۲)

۲ - آنها فقط از خیالات و هوسها پیروی میکنند (سوره نجم - آیه ۲۳)

۳ - بخاطر بیاوریدن آن روز که همه با یکدیگر دشمن بودند ... و در کنار پرتگاهی

از آتش قرار داشتید (آل عمران - ۱۰۲)

مردان مسلح بودند «وترس و ناامنی در همه جا حکومت میکرد» (۱)

کثرت انشعاب قبائلی و پراکندگی فوق العاده آنان، وجهل و نادانی شدید مردم کوچک-ترین مجالی به رشد افکار اصلاحی نمیداد.

جنگ و خونریزی قبائل بقدری زیاد و دامنه دار بود که زندگی روزانه مردم حجاز را «بکلی فلج کرده بود» و بهمین دلیل، و بحکم اجبار، قراردادی باهم بستند که در چهار ماه از سال، دست از جنگ بکشند و بکار تجارت و تهیه احتیاجات سال خود بپردازند این چهار ماه را ماههای حرام، مینامیدند و تدریجاً بصورت سنتی، درآمد.

باین ترتیب «دوثلث» از سال را بچنگ و تنها «یک ثلث» را به صلح و آرامش تخصیص داده بودند متأسفانه همین «سنت مقدس» نیز بارها شکسته شد و بازار معروف عکاظ که بزرگ-ترین مرکز تجارت سالیانه آنها بود بمیدان جنگ خونینی تبدیل گردید (۲) و گاهی نیز بمیل خود، برای ادامه جنگها، آنرا از موعد مقرر بتأخیر میانداختند (۳)

مسیر افکار روزندگی مردم آن محیط بوسیله «منجمان خرافی» و «کاهنان» یعنی همانها که مدعی بودند با شیاطین و ارواح مرموزی تماس دارند و از حوادث آینده و امور پنهانی و سرنوشت هر کس باخبرند، تعیین میکردید، حتی بزرگان و رؤسای قبائل نیز در مشکلات با آنها پناه میبردند.

«زن» در اجتماع-آنها ارزش و شخصیتی نداشت و شاید باین دلیل بود که نمیتوانست در مهمترین فصل بر نامه زندگی آنان که «جنگ و غارت» بود بطور فعالانه ای شرکت کنند و لذا زنان از غالب حقوق اجتماعی محروم بودند و همچون کالای کم ارزشی دست بدست میکشند مثلاً میگفتند: «کسیکه شمشیر بدست نمیگیرد حق ارث ندارد» بلکه پس از فوت پدر، دخترها هم مانند سایر اموالی که از وی بیادگار مانده بود میان پسران تقسیم میکردید، آنها خواهران خود را شوهر میدادند (در حقیقت میفروختند) و پول مهر به آنها را تملک می کردند.

دختران کوچک و بیگناه خود را به بهانه اینکه ممکن است در جنگهای دائمی قبیله ای بدست دشمنان اسیر شوند و از این راه احساسات ریاکارانه و دروغین ناموس دوستی آنها جریحه دار گردد، بطرز وحشیانه ای زنده زنده بزیر خاک میکردند و این موضوع رفته رفته در میان عده ای

۱ - در آن زمان لباس زیرین آنها «ترس» و لباس روئین «شمشیر» بود (نهج البلاغه خطبه ۸۷).

۲ - شرح این جنگها که در تاریخ به «فجار» معروف شده، در بسیاری از تواریخ اسلام در حوادث دوران جاهلیت مذکور است. به «بلوغ العرب» ج ۱ صفحه ۲۶۶ مراجعه شود.

۳ - تأخیر و تبدیل «ماههای حرام» از شدت کفراست... گاهی ماهی را حلال و گاهی حرام میکنند (توبه - ۲۷).

بصورت سنتی درآمد و چون زن در آن محیط ارزش اجتماعی نداشت این عمل چندان مورد اعتراض قرار نمیگرفت، تولد دختر در يك خانواده مصیبت بزرگی محسوب میشد (۱).

ولی نباید فراموش کرد که فقر و گرسنگی، ترس از هزینه زندگی کودکان یکی دیگر از عوامل کشتار پیر همانه آنان بود (۲).

شراب و فحشاء و قمار و داستانرایی و سرودن اشعار برای اثبات افتخارات موهوم و گاهی مضحکه و احقانه، مهمترین سرگرمی آنها محسوب میشد، و هر کدام سعی داشت قبیله خود را سربلندترین مردم جهان معرفی کند، و باین منظور گاهی دست یکدیگر را گرفته، کنار گورستان میبردند و هر یک تعداد قبور افراد قبيله خود را بر خ دیگری میکشید (۳)

بت پرستی با انبوهی از خرافات آئین معروف و رایج آنها بود بتها در باریان و مقربان خدا (۴) و فرشتگان دختران او بودند (۵) برای بتها قربانی میکردند و وحل تمام مشکلات خود را از آنها میخواستند و در کارهای مهم با آنها مشورت مینمودند و چون بتها زبانی نداشتند، برای کشف نظر آنها از فال مخصوصی بنام «ازلام» مدد می گرفتند (۶) و گاهی برای پیروزی در جنگ این مجسمه های پیر و حرا با زحمت زیاد بسوی میدان جنگ میکشیدند (۷).

هر قبيله برای خود بت جدا گانه ای داشت و گاهی خدای قبيله دیگر را بر سمیت نمیشناخت و برای او سجده نمی کرد!

بهین جهت خانه «کعبه» که مقدسترین مرکز مذهبی حجاز و یادگار قهرمان توحید

۱ - هنگامیکه یکی از آنها مژده داده میشد که نوزاد دختری نصیب او شده رویش سیاه و آتش خشم در دل او شعله ور میگردد، و بواسطه این خبر بد! از مردم پنهان میشد و (نمی دانست) آیا با تحمل خواری او را نگاهدارد یا اینکه در دل خاک پنهان سازد! چه حکم بدی داشتند (نحل: ۶۱۶۰)

۲ - فرزندان خود را از بیم تنگدستی و فقر نکشید، ماشا و ایشا ترا روزی میدهیم، چه اینکه کشتن آنها گناه بزرگی است (اسراء - ۲۴).

۳ - افتخار و مباحات بکثرت نفرات چنان شمارا مشغول ساخت که بتماشای قبور مردگان رفتید، (و بوجود آنها مباحات نمودید)! (تکائر - ۲۹۱).

۴ - میگویند این بتها را برای این پرستش میکنیم که ما را بخدا نزدیک سازد (زمر - ۳).

۵ - و فرشتگان را که «بندگان خدا» هستند دختران قرار دادند! (زخرف - ۱۹).

۶ - «ازلام» تیرهایی بود که روی آنها جمله «انجام بده» یا «انجام نده» نوشته بودند، آنها را در کیسه ای ریخته بهم میزدند و سپس یکی از آنها را بیرون آورده بعنوان «نظریه بتها» بآن عمل مینمودند!

۷ - جنگ احد شاهد گویای این مدعاست، در این جنگ بزرگ «هبل» و «عزی» را

بر شتری پیشاپیش لشکر میکشیدند (تواریخ اسلامی)

ابراهیم (ع) بود بصورت بتخانه مجلی درآمده بود و مراسم عبادت و نیایش بدرگاه خدا را بطرز مضحکی با کف زدن و سوت کشیدنهای ممتد بر گزار میکردند (۱).

عده قابل توجهی از اعراب حجاز، در مدینه و اطراف آن، پیرو آئین مسیح و یهود بودند بطوریکه مسیحیت و یهودیت در آن شبه جزیره دو آئین رسمی و متداول بود ولی پیروی از این دو آئین تحریف شده موجب هیچ نوع اصلاح و تحول در جامعه عربستان نمیشد.

تنها نقطه روشنی که در آن محیط تاریک و وحشتناک چشم میخورد همان روح سلحشوری و آزادی، و «شهامت» و «بزمیمه» و مهمان نوازی سخاوتمندانه، که از خصائص آن جمعیت بیابان گرد بشمار میرفت بود.

بلاوه آنها وارث یکی از عالیترین و وسیعترین زبانها و ادبیات جهان بودند که از روح شاعرانه و احساسات طبیعی دست نخورده ای ما بهمیگرفت، اما متأسفانه بواسطه فقدان رهبری صحیح، آن روح سلحشوری در قیافه جنگهای همیشگی قبائل، خود نمائی میکرد و این ادبیات عالی تنها در راه «عشقیازی» یا «تفاخرهای موهوم» و «احیاناً» رجزهای میدان جنگ» بکار می رفت.

اروپا که مهمترین قسمت جهان آن روز را تشکیل میداد تازه وارد دوران تاریک قرون وسطی یعنی دوران جاهلیت آن منطقه شده بود. دوران جاهلیت عرب با ظهور اسلام و شکوفان شدن تمدن درخشان و چشمگیر اسلامی که در سایه تعلیمات محمد (ص) بر سراسر شرق سایه گسترد پایان یافت.

ولی دوران جاهلیت اروپا (قرون وسطی) تا صد سال بعد از آن ادامه پیدا کرد و در طول این مدت که در حدود یک هزار سال ادامه داشت جهل و خرافات و جنایات بیرحمانه بر غالب مناطق اروپا سایه شوم و سنگینی افکنده بود.

گمان می کنیم صورتی که مورخان بزرگ غرب از جمله «ویل دورانت» و «آلبر ماله» از وضع مردم اروپا در آن دوران در کتابهای خود ترسیم کرده اند ما را از هر گونه توضیحی بی نیاز میسازد.

اگر اعراب در دوران جاهلیت دختران نوزاد خویش را زنده زنده بزیر خاک دفن می نمودند در اروپا در قرون وسطی هزاران نفر بیگناه را (اعم از دانشمندان و غیر دانشمندان) زنده زنده سوزاندند.

اوضاع مذهبی و بدعتی از قبیل اعتقاد بخدایان سه گانه، فروش اوراق مغفرت نامه و میادله هزاران گناه بامبلنی جزئی پول که بر اثر تحریف مسیحیت واقعی پدید آمده بود نشانه دیگری از تاریکی این قرون است.

۱ - و نماز آنها در نزد خانه (کعبه) جز سوت کشیدن و کف زدن نبود (انفال -

روابط اجتماعی که بر پایه حکومت مطلقه مالکان اراضی و بردگی کامل طبقه زحمتکش قرارداد داشت بمراتب ظالمانه تر و ننگین تر از دوران جاهلیت عربستان بود.

در سایر ممالک شرق نیز اوضاع از نظر افکار و روابط و آداب و رسوم اجتماعی در شدت انحطاط قرارداد داشت.

بت پرستی یا نیایش در برابر آتش بشدت رواج داشت و مردم مهمترین مرکز حل مشکلات زندگی خود را بت خانه ها و آتشکده های پر زرق و برق آن زمان میدانستند.

فاصله عجیب طبقات اجتماعی و استثماری طبقه ای بوسیله طبقه دیگر به صورت غم انگیزی در همه جا حکومت میکرد تا آنجا که در زمان انوشیروان که بداد گسترتری معروف و ضرب المثل است فاصله طبقاتی آنچنان بود که خواندن و نوشتن برای طبقه زحمتکش و کشاورز و کارگر گناه نابخشودنی محسوب میگردد.

این بود خلاصه ای از افکار و عقاید و عادات و رسوم و چگونگی زندگی جامعه هادراستانه ظهور اسلام، در چنین عصر تاریک و سراسر گمراهی بود که آفتاب اسلام درخشیدن گرفت و جهان را روشن ساخت.

دورنمایی از زندگی پیامبر بزرگ اسلام:

محمد (ص) چهل سال تمام از عمر خود را در میان چنان مردمی بسر برد ولی هرگز رنگ آن محیط را بخود نگرفت.

او در سال ۵۷۱ میلادی در سرزمین « مکه » چشم بجهان گشود. پدرش « عبدالله » در حالی که هنوز نخستین ثمره ازدواج خود را با « آمنه » ندیده بود چشم از جهان بر بست، هنوز پیش از شش بهار از عمر محمد (ص) نگذشته بود که مادرش نیز دنیا را وداع گفت.

این کودک یتیم تحت کفالت جد و عمویش در میان انبوهی از مشکلات پرورش یافت و این وضع اثر خاصی در روح پاک و معصوم او گذاشت و تا پایان عمر پیوند مخصوصی میان او و محرومان اجتماع برقرار ساخت.

پیش از ۲۵ بهار از عمرش نگذشته بود که با بانوی بیوه و محترمی از خانواده های سرشناس مکه بنام « خدیجه » که مجذوب و فریفته امانت و لیاقت او شده بود ازدواج نمود.

باید توجه داشت که آن حضرت (ص) از سن ۲۵ سالگی تا ۵۰ سالگی یعنی تمام دوران جوانی و قسمتی از دوران کهولت خود را تنها با این زن با وفا و فداکار که پانزده سال با او اختلاف سن داشت گذراند ولی پس از وفات او در حالیکه مبارزات شدید او با دشمنان ویرا کاملاً بخود مشغول ساخته بود بخاطر جلب حمایت طوائف مختلف عرب در پیشبرد اهداف عالی خویش با چند زن از چند قبیله ازدواج نمود زیرا معمول اعراب این بود که اما در جزه قبیله خود میدانستند و مانند همه نقرات قبیله تا آخرین نفس از وی دفاع میکردند، جالب توجه اینکه بیشتر این زنان افراد سالمندی

بودند و از اینجا نکته اصلی ازدواجهای متعدد او روشن میگردد .

بیش از چهل سال از عمر وی نگذشته بود که برای نخستین بار در کوه حرا در نزدیکی مکه در حالی که مشغول نیایش بدرگاه خداوند و تفکر در اسرار آفرینش بود فرشته وحی بر او نازل گردید و نخستین آیات قرآن مجید را بر او خواند .

اوسه سال بطور نهانی بدعوت خود پرداخت و چون زمین را کمی آماده ساخت آئین بزرگ خویش را با منطق نافذ و رسای خویش آشکار نمود و برای اصلاح مردم جهان رسماً قیام کرد .

اوهرگز درس نخوانده بود بلکه اصول در آن محیط درسی نبود که وی آنرا از استاد فرا- گبردولی با اینحال بفرمان خداوند بزرگ پایه گذار علوم فراوانی در جهان شد .

فشار رؤسای بزرگ و ستمگر قبائل مکه که با ظهور آئین جدید، دوران حکومت خود را سپری میدیدند پس از سیزده سال مبارزه محمداً مجبور به هجرت به شهر معروف « یثرب » که بیش از ۴۰۰ کیلومتر با مکه فاصله داشت نمود این شهر بعداً « مدینه النبی » یعنی شهر پیامبر نامیده شد . این مهاجرت فصل کاملاً نوینی در تاریخ اسلام گشود و لذا مبدء تاریخ اسلامی را تشکیل میدهد .

از آنجا صدای محمد (ص) در مدت کوتاهی در تمام شبه جزیره عربستان پیچید و در سال یازدهم هجری (۶۳۴ میلادی) که او چشم از جهان بر بست اسلام سراسر عربستان را فرا گرفته بود، پیروانش با همان بر نامه با سرعت عجیبی در تمام نقاط جهان متمدن آنروز به پیشروی خود ادامه دادند و امروز ششصد (۶۰۰) میلیون از مردم جهان در زیر این پرچم بزرگ قرار دارند .

آنچه یک مسلمان باید بدان ایمان داشته باشد:

نخستین موضوعی که در تعلیمات اسلام بیچشم میخورد مسئله توحید و یگانگی خدا است در حقیقت میتوان گفت اسلام اساس تمام تعلیمات خود را بر این اصل قرار داده تا آنجا که انحراف از این اصل را بهیچوجه قابل بخشش و گذشت نمیداند (۱) و لذا جمله « لا اله الا الله » معبودی جز « الله » خدای یکتا نیست ، نخستین و مهمترین شعار مسلمانان را تشکیل میدهد ، بلکه قرآن صریحاً میگوید: این جمله شعار اصلی تمام ادیان آسمانی بوده است (۲) اسلام هر گونه شرک و مظاهر بت پرستی را که نشانه دوران جهل و نادانی بشر ، و عامل مؤثری برای پراکندگی انسانهاست محکوم میکند .

اسلام این روح « وحدت و یگانگی » را از دعوت بخدا شناسی و پرستش ، بتمام شئون زندگی کاشانیده است . تمام جامعه بشریت را از هر نژاد و از هر قبیله و از هر نقطه جغرافیائی - بعنوان یک

۱ - خداوند هرگز کسی را که برای او شرک قائل شود نخواهد بخشید (نساء- ۱۱۶) .

۲ - ای پیروان کتب آسمانی ! بیایید بسوی یک گفتار و هدف مشترک در میان ما و شما و آن اینکه : (جز خدای یگانهدا نپرستیم) (آل عمران - ۵۷) .

خانواده معرفی میکند و همه مسلمانان جهان را بعنوان « برادری » یعنی نزدیکترین پیوندی که میان دو انسان ممکن است پیدا شود یاد میکند.

بهترین دلیل، اینست که مسلمانان عموماً یکدیگر را « برادر » خطاب میکنند و شعار و انما المؤمنون اخوة ، یعنی: « افراد با ایمان برادر یکدیگرند » از شعارهای اصلی مسلمانان است که از متن قرآن گرفته شده است.

و باز با الهام از همین روح « توحید » است که قرآن مجید صریحاً ب مسلمانان دستور میدهد که میان پیامبران خدا فرق نگذارند ، « و برای همه احترام قائل باشند » (۱) زیرا همه دارای یک هدف بودند و هر یک در زمان خود رسالتی را که بعهده داشتند بخوبی انجام دادند . ولی اسلام را کاملترین و آخرین ادیان آسمانی و پیامبر اسلام را بزرگترین و آخرین سفیر الهی معرفی میکند (۲) و میگوید اسلام آخرین آئینی است که تمام افراد بشر موظفند از آن پیروی کنند.

اسلام « الله » خدای یگانه را چنین معرفی میکند :

او بتمام اسرار زمین و آسمان، حوادث گذشته و آینده، اعمال و رفتار و اندیشه های بندگان خود واقف (۳) و ذره ای از رموز و اسرار جهان هستی در برابر علم بی پایان او مکتوم و پوشیده نیست (۴) .

او بر همه چیز تواناست (۵) و همه چیز در برابر قدرت بی انتهای او سهل و آسان است (۶) و هر چیز اراده کند فوراً انجام بگیرد (۷) در عین حال همه کار او از روی حکمت و حساب است (۸) او از همه بی نیاز (۹) و در عین حال نسبت به همه بندگان خود مهربانست (۱۰) او دیده

۱- مؤمنان ، بخدا و فرشتگان و کتابهای آسمانی و تمام پیامبران او ایمان آورده اند و گفتار آنها اینست که « میان هیچیک از پیامبران او فرقی نمیگذاریم » (بقره - ۲۸۵) .

۲- محمد (ص) فرستاده خدا و ختم کننده پیامبران بود (احزاب - ۴۰)
۳- چشمهایی که بخیانت گردش میکند میداند و از اسرار درون سینه ها باخبر است (غافر - ۱۹) .

۴- هیچ چیز در زمین و آسمان بر خدا مخفی نمی ماند (آل عمران - ۵) .
۵- حکومت آسمان و زمین و آنچه در آنهاست از آن خدا میباشد و او بر همه چیز قدرت دارد (بقره - ۱۲۰) .

۶- هیچ چیز در زمین و آسمان او را ناتوان نمی سازد (فاطر - ۴۴) .
۷- فرمان او تنها اینست که هر گاه چیزی را اراده کند میگوید : موجود باش فوراً موجود میشود (یس - ۸۲) .

۸- خداوند دانا و حکیم است (نساء - ۱۱) .

۹- خدا از تمام جهانیان بی نیاز است (آل عمران - ۹۷) .

۱۰- خداوند نسبت به همه مردم مهربان و رحیم است (بقره - ۱۴۳) .

نمیشود (۱) محل معینی در زمین و آسمان ندارد (۲) بلکه در همه جا حاضر است و از ما بما نزدیکتر میباشد (۳)

او هیچگونه شبهه و مانده و فرزند و همسر ندارد و از این عوارض که مخصوص جهان ماده است بکلی پاک و منزله است (۴) پیامبران خدا. حتی پیامبر اسلام و عیسی و موسی - بندگان برگزیده او هستند (۵) و انسانهایی همچون سایر افراد بشر بودند جز اینکه روح آنها بقدری بزرگ و پاک و شایسته بود که از طرف خداوند « وحی » بآنها فرستاده میشد و از طریق این روابط تمرین با او مربوط بوده اند (۶)

اسلام هدف بعثت پیامبر اکرم و سایر پیامبران را « تعلیم و تربیت » (۷) نجات از ظلمتهای جهل و کفر و فساد و گرایش به نور ایمان و دانش، و درستی و پاکی (۸) و شستن کینه ها و عداوتها از دلها و پیوند محبت انسانها بایکدیگر (۹) و تعمیم اصول عدالت و داد (۱۰) و بالاخره دمیدن روح انسانیت در افراد (۱۱) میداند.

اسلام هرگز، مانده مسیحیت امروز نمیگوید که کسی برای این آمده که قربانی گناهان ما بشود و کیفیت اعمال خلاف ما را به بیند و ما از مجازات نجات یابیم، بلکه هدف بر انگیزخته شدن پیامبران را اصول عالی فوق میداند.

یکی دیگر از اصول مهم عقائد اسلامی عقیده بروز جزا و جهان دیگر است که معمولا

- ۱ - چشمها او را نمی بیند ولی او چشم هادامی بیند (انعام - ۱۰۳)
- ۲ - هر کجا باشید او با شماست (حدید - ۴)
- ۳ - ما با انسان از رک کردن او باو نزدیکتریم (ق - ۱۶)
- ۴ - او از کسی متولد نشده و کسی نیز از وی تولد نیافته (و فرزند و همسری ندارد)
- و هیچ شبهه و مانندی برای او نیست (سوره توحید) (۳)
- ۵ - سپس کتاب آسمانی را به بندگان برگزیده خود دادیم (فاطر - ۳۲)
- ۶ - من انسانی مثل شما هستم که وحی بر من فرستاده میشود (کهف - ۱۱۰)
- ۷ - او خدایی است که از میان مردم درس نخوانده کسی را برانگیخت تا کتاب آسمانی بر آنان بخواند و آنها را تربیت کند و تعلیم دهد (جمعه - ۲)
- ۸ - این کتابیست که بر تو فرستادیم تا مردم را در پرتو آن از « ظلمتها » بسوی « نور » رهبری کنی (ابراهیم - ۱)
- ۹ - او در میان دلهای مؤمنان ایجاد الفت و محبت کرد (انفال - ۶۳)
- ۱۰ - ما پیامبران خود را با دلائل آشکار و کتاب آسمانی و قانون فرستادیم تا مردم اصول عدالت را برپا دارند (حدید - ۲۵)
- ۱۱ - ای افراد با ایمان دعوت خدا و پیامبرش را اجابت کنید، آنگاه که شما را بسوی حیات و زندگی دعوت میکنند (انفال - ۲۴)

همراه با اعتقاد به «الله» (خدای یکتا) ذکر میشود (۱)

طبق این اصل تمام مردم جهان پس از مرگ و پایان این زندگی در جهان دیگری بزندگی و حیات نوینی که مرحله کاملتری از این زندگی است باز میگردند و بحساب دقیق کارهای نیک و بد آنها رسیدگی خواهد شد و طبق شایستگیهایی که در پر تو اعمال نیک خود در این جهان پیدا کرده اند پاداش نیک و یا برائت آلودگیهایی که بر اثر اعمال بد پیدا کرده اند مجازات و کیفر خواهند دید (۲) اسلام در سایه این اصل حس مسئولیت درونی را در همه پیروان خود بیدار ساخته است.

اسلام میگوید هیچکس گناهکار از مادر متولد نمیشود (۳) بلکه همه با فطرت پاک در این جهان قدم میگذارند، خدا راه سعادت را بهمه نشان داده و این مردم هستند که راه خوب و یا بد را اختیار میکنند (۴).

هر کس در گرو اعمال و کردار خویش است و سعادت هر کس بدست خود اوست (۵) هیچ کس بجرم دیگری مجازات نمیشود (۶) و هیچکس جز خدا گناه کسی را نمیتواند ببخشد (۷) این بود خلاصه ای از عقایدیک مسلمان، مسلمانان فشرده این عقائد را در مراسمی که بنام «نماز» همه روزه بجای آورند یا در میثاق و یکی از نکات جالب این عقائد خالی بودن آنها از هر نوع ابهام و پیچیدگی و مطالب نامفهوم است.

اسلام و مسائل اجتماعی و اصول انسانی:

در این قسمت اسلام اصول مهمی را پی ریزی کرده است:

۱- احیاء ارزشهای انسانی.

اسلام از محیطی طلوع کرد که شخصیت افراد در آن محیط تنها بر محور ثروت، داشتن

۱- تنها در «سوره بقره» در هفت مورد ایمان بخدا و روز جزا هم دوش یکدیگر ذکر شده است.

۲- تقریباً در تمام صفحات قرآن بحث یا اشاره ای باین اصل مهم دیده میشود.

۳- مسیحیت کنونی معتقد است که همه گناهکار از مادر متولد میشوند و بارگناه نخستین انسان بدوش هر یک هست و بوسیله غسل «تعمید» ارزش گناه را تحصیل مینماید (قاموس مقدس صفحه ۲۵۷ و مذاهب بزرگ ۹۹).

۴- ما راه را بانسان نشان داده ایم، خواه شکر گذاری کند و بپذیرد یا کفران نماید (دهر - ۳)

۵- هر کس در گرو عمل خویش است (طور- ۲۱)

۶- و هیچکس مسئول گناه دیگری نیست (انعام- ۱۶۴)

۷- کیست جز «خدا» که گناه بندگان خویش را ببخشد؟ (آل عمران ۱۲۹)

شتران زیاد ، نخلستانهای فراوان ، زروزیور و همچنین داشتن قبیله‌های بزرگ و غارتگر، و یا شخصیت‌پدران و نیاکان قبیله ، دورمیزد ، تا آنجا که به پیامبر اسلام که در آغاز کودکی یتیم و تهیدست بود ایراد گرفتند و نبوت او را قابل قبول ندانستند زیرا بمقیده آنان فاقد شخصیت لازم بود! (۱)

ولی اسلام محور شخصیت را بکلی دگرگون ساخت و ارزش وجودی انسان را در افکار و اندیشه‌های بلند، دارا بودن روح پاک و ملکات فاضله انسانی، و در پرهیز از گناه و آلودگیها معرفی نمود. (۲) و باین ترتیب خط بطلان بر افتخارات موهوم نژادی و امثال آن کشید (۳).

بهمین دلیل پس از ظهور اسلام ثروتمندان ستمگر و رؤسای بیرحم و سنگدل قبائل که نمونه‌های بارز شخصیت آنروز محسوب می‌شدند، از صحنه اجتماع بکلی کنار زده شدند و جمعی از طبقات پائین حتی عده زیادی از کنیززادگان و یا بردگان سابق که لیاقت داشتند جای آنها را گرفته و در پرتو لیاقت ذاتی خویش بعالیترین مناصب اجتماعی راه یافتند (سلمان فارسی دوست نزدیک و مشاور پیامبر که در زمان خلفاء بمقام استاندار مدائن نیز رسید نخست برده فقیری بیش نبود و امثال او در تاریخ اسلام فراوانند).

این واقع‌بینی تعلیمات اسلام موجب شکوفان شدن استعدادهای درونی افراد، و پرورش شخصیت‌های بزرگ علمی و سیاسی و اخلاقی در جوامع اسلامی گردید، و پایه اصلی یک نهضت بزرگ انسانی را تشکیل داد (۴).

۲- آزادی و مساوات

اصل دیگر اجتماعی و انسانی که اسلام برای جهان انسانیت با رمغان آورد مسئله آزادی و مساوات بود.

پیغمبر اسلام میفرمود من برای این آمده‌ام که غل و زنجیرها را از شما بردارم (۵) و شما را عزیز و سر بلند سازم.

او میفرمود: ستم بر کارگران، و پایمال کردن حقوق زنان، و سلب آزادی از مردم سه

۱- و گفتند: (اگر قرآن از طرف خداست) چرا بر یکی از مردان بزرگ (و ثروتمند) مکه و طائف نازل نگردید (زخرف - ۳۰)

۲- گرامی‌ترین شما در پیشگاه خدا پرهیزکارترین شماست (حجرات: ۱۳).
 ۳- ای مردم همه شما را از یک پدر و مادر آفریدیم و اینکه شما را بتیره‌ها و قبیله‌ها تقسیم کردیم تنها برای اینست که شناخته شوید هیچ نژاد و قبیله‌ای را بر دیگری افتخاری نیست (حجرات: ۱۳).

۴- برای اطلاع بیشتر از عظمت خیره‌کننده تمدن اسلامی بکتابهای فراوانی که بدست مورخان مسیحی و اسلامی در این زمینه نگاشته شده مراجعه شود.

۵- اوبارهای سنگین و غل و زنجیرها را از پیروان خویش بر میدارد (اعراف: ۱۵۷).

گناه بزرگ است که هرگز بخشوده نخواهد شد (۱)

اوبه پیران خود این حقیقت را تأکید کرد که توجه داشته باشند: «خدا همه آنها را آزاد آفریده است» باید بکوشند تا بنده برده دیگری نشوند (۲)

انسان فروشی را یکی از بدترین کارها معرفی کرد (۳) و یک برنامه وسیع و دقیق برای آزادی تدریجی غلامان و بردگان طرح نمود، زیرا او میدانست اگر حکم آزادی فوری آنها صادر گردد بسیاری از بردگان بی پناه در معرض تلف قرار خواهند گرفت، علاوه بر این بردگی در اسلام مفهوم سابق خود را از دست داده بود، برده یک انسان بود و دارای تمام حقوق انسانی، و همانطور که گفته شد کار بجائی رسید که بردگان در عالیترین پستهای اجتماعی نفوذ کردند.

روی همین اصول اسلام «پناهگاه عظیمی بود برای توده های وسیع و زحمتکش اجتماع که در آن موقع به دردناکترین وضعی زندگی میکردند، و بهمین دلیل نخستین دسته ای که به پیامبر (ص) ایمان آوردند همین عده بودند، تا آنجا که این موضوع مورد اعتراض شدید ثروتمندان و رؤسای متنفذ قبایل قرار گرفت ولی خداوند به پیغمبر خود تأکید کرد که با اعتراض آنان کوچکترین وقعی نگذارد» (۴).

اسلام هرگز اجازه نمیداد منافع اکثریت اجتماع فدای مطامع عده معدودی که همه چیز را در اختیار دارند شود (۵).

اسلام اهمیت شایان توجهی به آزادی فکری بشر میدهد و لذا در بسیاری از آیات قرآن

۱ - سه کس هستند که هرگز بخشوده نخواهند شد: کسیکه حق کارگری را به ستم از او بگیرد، و کسیکه مهر همسر خود را نپرداند و کسیکه شخص آزادی را بصورت برده بفروشد (پیغمبر اکرم - ص).

۲ - بنده دیگری مباش، خدا تو را آزاد قرار داده است (نهج البلاغه - از وصایای علی ع بفزندش)

۳ - بدترین مردم کسی است که برده فروشی کند (پیغمبر اکرم - ص)

۴ - همواره با کسانی باش که خدا را صبح و شام میخوانند و خشنودی او را میطلبند، هرگز از این جمعیت (اگر چه فاقد مال و ثروت باشند، بخاطر زرق و برق دنیا روی نگردان و از آن «ثروتمندانی» که دلایشان از یاد ما غافل است و دنبال هوی و هوس خویش هستند پیروی نکن) (کف ۲۷)

۵ - ... با نارضائی توده مردم خشنودی اقلیتی از خواص بیهوده است ولی با رضایت آنها نارضائی اقلیت قابل بخشش میباشد... زیرا شئون دین و رکن عمده اجتماع و نیروی ذخیره در برابر دشمنان همین توده مردمند، بخواسته های آنها توجه کن و قلب تو با آنها باشد. (نهج البلاغه، از فرمان علی (ع) ب مالک اشتر)

مردم را به « تفکر » دعوت میکند.

مساوات اسلامی بمعنی مساوات در یک جامعه کمونیستی نیست چه اینکه این معنی با اصل « آزادی بشر » که اسلام طرفدار آن است مغایرت دارد، بلکه مساوات اسلامی بمعنی برابری عموم افراد اجتماع و همه طبقات و تمام نژادها و رنگها در حقوق انسانی و در برابر تمام قوانین اجتماعی و مدنی و جزائی است» (۱)

۳- شرکت در اداره امور اجتماع

اسلام ب همه پیر و ان خود حق میدهد که بطور مساوی در اداره امور اجتماع خود شرکت جویند ، و دستور مهم اسلامی « امر بمعروف و نهی از منکر » یا « دعوت بحق و مبارزه با فساد » نموداری از این حقیقت است (۲)

پیامبر اسلام با اینکه برگزیده خدا بوده هنگام انجام کارهای مهم اجتماعی با مردم مشورت میکرد و همرا یکسان در مشورت شرکت میداد (۳) قابل توجه اینکه دستورات اجتماعی اسلام در قرآن معمولاً با جمله « ای مردم » و « ای افراد با ایمان » آغاز میشود و این خود شاهد زنده ای بر شرکت دادن عموم افراد در وظائف اجتماعی است و لذا پیامبر اسلام صریحاً - گوید بار وظائف اجتماعی بدوش همه افراد است (۴) و نیز میفرمود : « کسیکه بفکر بهبود جامعه اسلامی نباشد مسلمان نیست » (۵)

۴- حل مشکل نژاد :

اسلام با این تعلیمات عالی و در عین حال ساده خود مشکل بزرگ نژاد را که در جهان امروز هنوز لاینحل مانده است حل نمود ، و باید توجه داشت این برنامه را در میان مردمی اجرا کرد که در نژاد پرستی نمونه بودند.

۵- مبارزه با فاصله طبقاتی

اسلام با اینکه اصل « مالکیت فردی » را برای حفظ عدالت و « آزادی » و « تشویق به توسعه فعالیت های اقتصادی » ، محترم شمرده ، از طغیان و تراکم سرمایه که موجب فاصله

۱ - هیچ افتخاری عرب بر عجم ندارد، و نه عجم بر عرب ، نه سفید پوست بر سیاه پوست، و نه سیاه پوست بر سفید پوست مگر در سایه تقوی (پیغمبر اکرم ص)

۲ - کسیکه امر بمعروف و نهی از منکر را با دست و زبان و دل ترک گوید مرده زنده نماند . (نهج البلاغه - از کلمات قصار)

۳- در کارها با آنها مشورت کن (آل عمران : ۱۵۹)

۴ - همه شما شبان و نگاهبان مردم هستید و در مقابل این وظیفه مسئولید (پیغمبر اکرم ص)

۵ - کسیکه صبح کند و بفکر امور مسلمانان نباشد مسلمان نیست (پیغمبر اکرم ص)

طبقاتی میشود بشدت جلوگیری نموده است .

نخست اینکه « رباخواری » را بهر شکل و بهر صورت تحریم کرده ، تا آنجا که آنرا « اعلان جنك با خدا معرفی نموده است (۱) و از طرف دیگر بوسیله قانون وسیع « ارث » اموال متراکم را در میان افراد بیشتری پخش کرده ، و از طریق قانون « خمس » که یکنوع « مالیات بر درآمد » اسلامی است و قانون « زکوة » که غالباً جنبه « مالیات بر ثروت » دارد برای بهبود حال طبقات پائین اجتماع و مبارزه با تراکم سرمایه (۲) اقدام نموده است . تا آنجا که میگوید وجود يك فقیر در سراسر کشورهای اسلامی دلیل بر عدم وظیفه شناسی ثروتمندان میباشد . اسلام « احتکار » را بشدت تحریم کرده ، و از طریق تشویق به « وقف » و طرق دیگر به ازدیاد « اموال عمومی » اموالی که متعلق بشخص خاصی نیست . کمک نموده است .

اسلام پیروان خود را تشویق فر او ان به کارهای تولیدی ، مانند : زراعت ، دامداری ، و انواع صنایع ، و همچنین تجارت کرده است و پیشوایان بزرگ اسلام در بسیاری از این امور پیشقدم بوده اند .

۶ - احیاء شخصیت زن

اسلام بزنان و مخصوصاً « مادران » شخصیت فوق العاده داده تا آنجا که تواضع در برابر مادر را کلید بهشت میداند (۳) و برای زنان حقوق مساوی با مردان - جز در مواردی که اختلاف ساختمان طبیعی زن و مرد را ایجاب تفاوتهایی میکند - قرارداد و سلب حقوق زنان را گناه غیر قابل بخشش معرفی نموده است .

طرز حکومت و قوانین مدنی در اسلام

اسلام برخلاف بسیاری از مذاهب موجود ، دیدگاه خود را منحصر بیک سلسله اصول کلی اخلاقی و معنوی و مراسم مذهبی نمیکند ، بلکه بتمام شئون زندگی و روابط انسانها در تمام جنبه های مادی و معنوی نظر افکنده و اصولی برای سعادت بشر در تمام این جهات وضع کرده است .

بهمین دلیل قوانین مدنی و سیمعی در اسلام وجود دارد که میتواند جوابگوی تمام نیازمندیهای اجتماعی و حقوقی بشر باشد ، اما باید توجه داشت که زیر بنای تمام این قوانین را اصل « حق و عدالت و پیشرفت انسان در سایه ایمان بخدا و حفظ اصول اخلاقی »

۱ اگر دست از « ربا خواری » بر نمیدارید اعلان جنك با خدا و پیامبرش دهید (بقره ۲۷۷)

۲ - کسانی که طلا و نقره می اندوزند و در راه خدا انفاق نمیکنند آنها را بعد از دزدانگی بشارت ده (توبه : ۳۴)

۳ - بهشت زیر پای مادران است (پیغمبر اکرم . ص)

تشکیل میدهد (۱)

اسلام پایه گذار يك سیستم حکومت جهانی بر اساس اصول عدالت و حفظ منافع تمام پندگان خداست و بهمین دلیل مرزهای : جغرافیائی ، نژادی ، طبقاتی ، در اسلام ابدأ مفهومی ندارد بلکه همرا عضو يك خانواده و عضو يك پیکر میدانند (۲)

اسلام در عین دعوت عمومی جهان انسانیت بسوی این آئین پاك اصل همزیستی را با تمام ادیانیکه ریشه آسمانی داشته اند (گرچه بعداً تحریف شده اند) محترم می شمارد (۳) و هیچگونه تحمیل عقیده و اکراه و اجبار در مسائل مذهبی را تجویز نمی کند (۴) و بجای آن دستور به تفکر و تدبیر و پیروی از منطق و عقل میدهد (۵) ولی در برابر آئین « بت پرستی » هیچگونه انعکاسی نشان نمیدهد و آنرا بهر شکل و بهر صورت محکوم میکند.

در عین حال برای حفظ استقلال کشورهای اسلامی ، بهر مسلمانی - بدون استثناء دستور میدهد که بهنگام خطر و تهدید از طرف دشمنان با تمام قوا از مرزهای خود دفاع کند و شهادت در این راه را یکی از بزرگترین افتخارات می شمارد ، و تا کید می کند همه گونه آمادگیهای لازم و سلاحهای مختلف را قبلاً فراهم سازند تا غافلگیر نشوند ، ولی با این حال تصریح میکند که هدف از تهیه سلاح و تجهیزات و آمادگیهای جنگی خونریزی و کشتار بشر نیست بلکه منظور ، ترسانیدن ، و عقب راندن ، دشمن میباشد (۶) و لذا بمجرد تمایل دشمنان بصلح واقعی دستور صلح میدهد (۷)

علاوه بر این اسلام دستور میدهد که هر گاه جنگی در میان مسلمانان و دشمنان آنها در گیر

- ۱ - تألیف هزاران کتاب بزرگ در باره « فقه اسلامی » که موضوع بحث همه آنها حقوق مدنی « جزائی » و طرز حکومت اسلامی و مانند آنست گواه زنده این مدعاست
- ۲ - افراد با ایمان همه بمنزله اعضاء يك پیکر میباشد (پیغمبر اکرم - ص)
- ۳ - در فقه اسلامی فصلی در باره « اهل ذمه » (هم پیمان) هست که در آن دستورهای صریح اسلام درباره « همزیستی مسالمت آمیز » با همه پیروان ادیان آسمانی (مگر در آنجا که اذدر خصومت یا خیانت با مسلمانان درآیند) تصریح گردیده است .
- ۴ - هیچگونه اکراه و اجباری در مذهب نیست (بقره ۲۵۶)
- ۵ - من تنها شمارا بیک موضوع اندر زمیدم و آن اینکه همه دسته جمعی یا مفرداً برای خدا قیام کنید و اندیشه و فکر خویش را بکار اندازید (سبأ - ۴۶)
- ۶ - هر گونه نیروئی از قدرت دارید برای مقابله با دشمن فراهم سازید... تا از این راه دشمنان خدا و اجتماع خود را بترسانید (و بر سر جای خود بنشینید) (انفال - ۶۰)
- ۷ - هر گاه آنها تمایل به صلح نشان دهند تو نیز از در صلح در آی (انفال : ۶۱)

شود باید در میدان جنگ اصول انسانی و جوانمردی، را رعایت کند (۱) مخصوصاً در باره خوشرفتاری با اسیران جنگی نیز تأکید فراوان نموده است (۲)

مراسم پرشکوه مذهبی مسلمانان

هدف اصلی از مراسم مذهبی اسلامی مانند نمازهای پنجگانه روزانه و روزه ماه مبارک رمضان و حج بیت الله، بیداری و پرورش روح و رشد ملکات فاضله انسانی، و جلوگیری از گناه و انحراف از حق و بالاخره توجه بخداست و گاهی بجای همه این عبارات جمله « نزدیک بخدا، بکار برده میشود (۳) این اصول در تمام عبادات اسلامی رعایت شده است.

در مراسم پرشکوه عبادات اسلامی موضوع نظافت، سادگی و دوری از زرق و برقهای مادی، و حذف امتیازات طبقاتی کاملاً مورد توجه میباشد، مثلاً در مراسم نمازهای روزانه همه مسلمانان حتی سلاطین و رؤسای جمهور و مردم عادی در یک صف و بدون کوچکترین امتیاز رو بدرگاه خداوند یگانه میآوردند و با عبارات کوتاه و پرمعنی و آهنگ دار مخصوصی اورانپایش میکنند، و برای حفظ اصالت این مراسم و هم تحکیم وحدت ملل اسلامی دستور داده شده که همه با لنت واحدی - یعنی زبان عربی که زبان اصلی قرآن و از جامعترین زبانهای دنیاست - این مراسم را برگزار کنند.

از اینها گذشته در مراسم مذهبی اسلامی توجه خاصی با اجتماع شده است. بهترین نمازها آنست که بصورت دسته جمعی (نماز جماعت) برگزار شود، در مراسم نماز جمعه که در روزهای جمعه تشکیل میگردد تمام مسلمانانی که در یک شهر زندگی میکنند (تا شعاع ۶ کیلومتر) موظف هستند همه در یک نقطه اجتماع کرده، این مراسم را با هم برگزار نمایند و در اجتماع بزرگ و بی نظیر سالیانه، در مراسم باشکوه حج همه ساله منجاً از یک میلیون نفر در روزهای معینی در زادگاه اصلی اسلام، سرزمین « مکه » اجتماع کرده و آن مراسم پرشکوه و تکان دهنده را انجام میدهند، در این اجتماع بزرگ روح مساوات و برابری اسلامی، همچنین سادگی و حذف امتیازات پیش از همه جا نمایان است.

۱- هنگامیکه از شما مسلمانان آماده میدان جهاد میشد پیغمبر با آنها میفرمود: مواظب باشید خیانت نکنید، بدن دشمن را پس از کشتن مثلثه ننمائید، پیمان شکنی نکنید پیران و کودکان و زنان را بقتل نرسانید، متعرض رهبانان مشوید، درختان را جز در مورد ضرورت قطع ننمائید... ذرا عثا را آتش نزنید، چهار پایان را جز در مورد اجبار و برای قوت لازم نکشید، هرگز آب آشامیدنی دشمن را مسموم نسازید.

۲- اطعام اسیران و نیکی کردن با آنها از حقوق واجب اسیران است اگر چه اسیری باشد که محکوم باعدام شده باشد و بخواهند او را فردا اعدام نمایند (علی علیه السلام)

۳- نماز انسان را از کارهای زشت و ناپسند باز میدارد، (عنکبوت: ۴۵) نماز را بر پا دار تا بیادمن باشی (طه - ۱۴) نماز موجب قرب معنوی افراد پرهیزکار بخداست. (پیغمبر اکرم ص)